



# کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

## چگونگی ظهور مدارس جدید در ایران

مریم جعفری ، امیر حسین عبدی  
کارشناسی ، آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان الزهرا  
اداره آموزش و پرورش شهرستان زنجان  
amirgoor6@gmail.com  
09104800568

کارشناسی ، آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان شهید بهشتی  
اداره آموزش و پرورش شهرستان زنجان  
amirgoor6@gmail.com  
09102859219

### چکیده :

این پژوهش با هدف بررسی عوامل تاثیر گذار و چگونگی ظهور مدارس جدید و نوین در تاریخ ایران انجام شده است. در این پژوهش از روش کتابخانه ای برای جمع آوری داده ها استفاده شده است که به ترتیب زمانی، عوامل تاثیر گذار در موضوع را مشخص می کند. در این پژوهش جامعه آماری شامل مدارس جدیدی است که در دوران قاجار پایه گذاری شدند که تعلیم و تربیت نوین ایران از آنها آغاز شد. نتیجه این تحقیقات نشان داد عواملی از قبیل انقلاب صنعتی و رنسانس در اروپا و به تبع آن تولید و گسترش علم، همچنین آشنایی مردم ایران با این تحولات در جهان ، بازگشت فارغ التحصیلان از فرنگ به ایران و درایت و سخت کوشی امیر کبیر در تغییر مکتب خانه ها و مدارس قدیمی به مدارس جدید تاثیر گذار بودند.

**واژگان کلیدی:** قاجار ، مکتب خانه ها ، مدارس قدیمی ، مدارس جدید ، نوین ، امیر کبیر



# کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

## ۱- مقدمه :

آموزش و پرورش و مدرسه در ایران از تاریخچه ای مهم برخوردارند. اگرچه در ایران عهد باستان آموزش و پرورش به معنای امروزی آن وجود نداشته اما سازوکارهای تعلیم و تربیت در شیوه‌ها و روش‌های مختلف آن طراحی و عملیاتی شده بود. مدرسه در ایران از زمان قاجار به صورت نوین شکل گرفت و تا قبل از آن آموزش در سده‌های ۱۲ و ۱۳ هجری در مکتب‌خانه‌ها و مدارس دینی ایران در حدی بود که افراد خواندن و نوشتن و حداکثر احکام دینی را بیاموزند. اما بیشتر آن‌ها فقط علمی را فرامی‌گرفتند که مربوط به مسایل دینی و مذهبی، ادبیات، حساب و هندسه، فلسفه، نجوم و دیگر علوم در سطح معینی بود و با علوم جدید آشنایی زیادی پیدا نمی‌کردند. این مسئله موجب می‌شد به نیازهای روز جامعه مانند صنعت، کشاورزی، پزشکی و علوم نظامی توجه چندانی نشود. حال آنکه در اروپا، وقوع رنسانس و انقلاب صنعتی در سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی و پیشرفت روزافزون اروپایی‌ها در علوم جدید موجب شد تا آنان به برتری چشمگیری در صنایع جدید و احداث کارخانه‌ها و ادوات جنگی دست یابند.

اولین مدارس نوین در ایران از دوران محمدرضا قاجار شکل گرفتند. اولین مدرسه را کشیشی آمریکایی به نام پرکینز در ارومیه در سال ۱۲۵۴ هجری ساخت که در آن علاوه بر برخی دانش‌های جدید، قالی‌بافی و آهنگری نیز به کودکان تعلیم داده می‌شد و دومین مدرسه را اوژن بوره (کشیش فرانسوی) در سال ۱۲۵۵ در تبریز بنا کرد. بوره به دنبال آن بود که دارالفنونی تأسیس کند و ایرانیان را از هر قوم و مذهبی با علوم جدید و زبان فرانسوی آشنا کند. او تمام مخارج مدرسه را خودش می‌پرداخت. بعدها مدرسه دیگری در جلفای اصفهان توسط بوره تأسیس شد. در سال‌های سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، با وجود اینکه مدرسه دارالفنون افتتاح شد، اما اقدامات آموزشی در همین حد باقی ماند و دانش آموزان دوره ابتدایی کماکان در مکتب‌خانه‌ها آموزش می‌دیدند. اما از ابتدای سلطنت مظفرالدین شاه، به علت آشنا شدن بیشتر مردم با محیط فرنگستان و رواج افکار جمعی از ثروتمندان که ضمناً خود را جزو طبقه روشنفکر می‌دانستند به تأسیس مدارس ابتدایی و متوسطه اقدام کردند و در کار ایجاد مدارس نوین به سبک اروپایی پیشقدم شدند. این‌ها همه جدا از تلاش‌های میرزا حسن رشیدی از بنیانگذاران مدارس نوین برای ایجاد مدرسه در شهرهای تبریز، مشهد و تهران است که شاید چون ایرانی بود، با سرزنش‌ها و آزار هموطنان مواجه شد.

ایرانیان در طی قرون و اعصار متعددی بلکه از هزاران سال پیش توانستند خود را با دانش، کتاب، تحقیق و پژوهش مأنوس کنند. در عهد قاجاریه، ایران نیز به تبعیت از بسیاری از کشورهای رو به رشد جهان توانست با همراهی و همفکری و البته دلسوزی و پیگیری‌های مجدانه بزرگان فرهنگی و مفاخر علمی خود نسبت به ایجاد مدارس جدید به سبک و سیاق نوین اقداماتی را انجام دهد که بسیاری از تلاش‌ها و زحمات ارزنده مؤسسان و بانیان این مدارس متأسفانه در جایی بازگو نشده است. ضرورت دارد نسبت به شناسایی افرادی که بیشترین نقش و دخل و تصرف در ایجاد مدارس نوین در یکصد و پنجاه سال پیش و بیشتر از آن تا به امروز داشته‌اند اقداماتی صورت گیرد. با آرزوی علو درجات برای بانیان و مؤسسان مدارس نوین در ایران و توفیقات الهی برای آن دسته از بانیان و مؤسسان مدارس و مراکز علمی جدید نگاهی گذرا خواهیم داشت بر تاریخچه تأسیس برخی از مدارس قدیمی ایران که هر کدامشان صاحب افتخارات و دستاوردهای فراوانی بوده‌اند. دانش آموزانی در این مدارس تربیت و آموزش دیده‌اند که هر کدام از آنها مفاخر علمی ایران و جهان گردیده‌اند. چه بسیاری از دانش آموزان مدارس قدیمی ایران که خودشان از جمله بانیان و عوامل تأسیس مدارس در ایران شدند و چه بسیار از بانیان امور خیری که امروز پس از ده‌ها و افزون بر یک قرن که از حیات و مماتشان می‌گذرد تمامی ثواب و مزدی را که از طریق دانش و علم به جوامع انسانی می‌رسد آنان نیز سهیم و شریک‌اند.

رویکرد دولتمردان قاجار به آموزش جدید، اصولاً نخبه‌گرایانه بود و از حد اعزام گروه‌های برگزیده‌ای از دانشجویان به اروپا و یا جذب گروه‌های برگزیده‌ای از جوانان برای تحصیل در دارالفنون، و برخی دیگر از مدارس تخصصی فراتر نرفت. این گروه‌های برگزیده نیز غالباً متعلق به پایتخت و گروه‌های اجتماعی نزدیک به حکومت بودند. تا ربع آخر سده سیزدهم هجری شمسی هیچ اقدامی از سوی دولت برای ایجاد و گسترش آموزش عمومی جدید صورت نگرفت. با وجود این، در همان دوره، تلاش‌های فزاینده‌ای از سوی محافل غیر حکومتی برای تأسیس مدارس جدید در شهرهای مختلف صورت گرفت.

با توجه به مطالب عنوان شده در بالا، ضرورت تحقیق در رابطه با ظهور مدارس جدید در ایران مشخص می‌شود، چون مدارس بالاترین نقش در آموزش و پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت را دارند، با تحقیق در رابطه با گذشته مدارس می‌توانیم در جهت بهبود عملکرد مدارس گام برداریم. هدف اصلی تحقیق حاضر عبارت است از بررسی چگونگی ظهور مدارس جدید و نوین در ایران که به جای آموزش مکتب‌خانه‌ای بر سر سفره آموزش این مرز و بوم نشست.

سوالات تحقیق عبارت‌اند از:

۱. مدارس جدید و نوین در ایران چگونه شکل گرفت و با چه چالش‌هایی رو به رو بود؟



# کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۲. مدارس قدیمی در ایران به چه شکل بودند؟

اولین مدرسه جدید در ایران توسط فردی به نام «پرکینز» در سال ۱۲۱۷ خورشیدی تأسیس شد که به دنبال این موج جدید در آموزش و پرورش کشور، مدارس دیگری با همت اشخاص صاحب نام تاریخ دایر شدند. مدرسه دارالفنون سرآمد این مدارس است که با تلاش های خستگی ناپذیر امیرکبیر به وجود آمد. (محمود محمدی، ۱۳۹۶)

مدرسه در ایران از زمان قاجار به صورت نوین شکل گرفت و تا پیش از آن آموزش در سده های ۱۲ و ۱۳ هجری در مکتب خانه ها و مدارس دینی ایران در حدی بود که افراد خواندن و نوشتن و حداکثر احکام دینی را بیاموزند. اما بیشتر آن ها فقط علمی را فرامی گرفتند که مربوط به مسائل دینی و مذهبی بود و با علوم نو آشنایی زیادی پیدا نمی کردند. این مسئله موجب می شد به نیازهای روز جامعه مانند صنعت، کشاورزی، پزشکی و علوم نظامی توجه چندانی نشود. حال آنکه در اروپا، وقوع رنسانس و انقلاب صنعتی در سده های ۱۸ و ۱۹ میلادی و پیشرفت روزافزون اروپایی ها در علوم نو موجب شد تا آنان به برتری چشمگیری در صنایع نو و احداث کارخانه ها و ادوات جنگی دست یابند. (عباس اقبال آشتیانی، ۱۳۹۲)

در سال های سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، با وجود اینکه مدرسه دارالفنون بازگشایی شد، اما اقدامات آموزشی در همین حد باقی ماند و دانش آموزان دوره ابتدایی کماکان در مکتب خانه ها آموزش می دیدند. اما از ابتدای سلطنت مظفرالدین شاه، به علت آشنا شدن بیشتر مردم با محیط فرنگستان و رواج افکار جمعی از ثروتمندان که ضمناً خود را جزو طبقه روشنفکر می دانستند به تأسیس مدارس ابتدایی و متوسطه اقدام کردند و در کار ایجاد مدارس نوین به سبک اروپایی پیشقدم شدند. (محمود حکیمی، ۱۳۷۱)

سومین مرحله نوگرایی تقریباً نیم قرن پس از تأسیس دارالفنون در دوران صدارت امین الدوله و از سوی میرزا حسن رشیدیه انجام شد. رشیدیه با سفر به بیروت و مطالعه کتاب هایی از جمله کتاب احمد طالبوف به اهمیت روش های جدید یادگیری واقف شد و پس از بازگشت به تبریز، مدرسه ای معروف به رشیدیه افتتاح کرد که در آن از برخی وسایل کمک آموزشی و روش های جدید برخلاف روش های مرسوم مدارس سنتی بهره گرفت. (فخرالدین رشیدیه، ۱۳۴۷)

تأسیس مدرسه توسط رشیدیه باعث شد تا دیگر کسی به سراغ مکتب داران که تا آن روز عهده دار آموزش کودکان بودند نرود و برخی از آن ها که پیشرفت مدرسه جدید را مخالف مصالح خود می دانستند با چوب و چماق به جان مدرسه، کودکان و معلمان افتادند. به این ترتیب رشیدیه مجبور به تعطیلی مدرسه و ترک تبریز شد. (مونیکا رینگو- ترجمه مهدی حقیقت خواه، ۲۰۰۳)

نخستین مدرسه را کشیشی آمریکایی به نام پرکینز در ارومیه در سال ۱۲۵۴ هجری ساخت که در آن افزون بر برخی دانش های جدید، قالی بافی و آهنگری نیز به کودکان تعلیم داده می شد و دومین مدرسه را اوژن بوره (کشیش فرانسوی) در سال ۱۲۵۵ در تبریز بنا کرد. بوره به دنبال آن بود که دارالفنونی تأسیس کند و ایرانیان را از هر قوم و مذهبی با علوم جدید و زبان فرانسوی آشنا کند. (یاکوب ادوارد پولاک - مترجم کیکاووس جهاننداری، ۱۹۹۰)

در مدرسه دارالفنون علوم و فنون جدید از جمله طب، پیاده نظام، سواره نظام و... آموزش داده می شد. با تأسیس اولین دبستان توسط رشیدیه، علاوه بر تغییر در شیوه آموزش که تحصیل را آسان کرده بود، شکل ظاهری مدارس نیز تغییر کرد. مدارس به میز و نیمکت و تخته مجهز شدند. (رولتز و همکاران، ۲۰۰۱)

نمونه های تقابل مردم ایران با این گونه مدارس در تاریخ ایران عصر قاجار بسیار است، اما با وجود این تقابل ها، غلبه نهایی با این نهاد جدید آموزشی و در نتیجه، محو مکتب خانه ها در دل تاریخ بود. رویگردانی جامعه از مدارس جدید و اعتراض به شکل گیری آنها و حتی اقدام برای هدمشان عکس العمل هایی بودند که در برابر پدیده مدرسه رخ دادند. چه بسا در بیان علت این عکس العملها از تضاد منافع سخن به میان آید، اما با توجه به مخالفت قشرهای متفاوت جامعه با این پدیده نوظهور نمی توان آن را علت اصلی این مخالفت برشمرد. آنچه این مخالفتها را باعث می شد تقابل دو دوران متفاوت بود که در دو واژه «نو» و «کهنه» یا «مدرن» و «سنتی» مطرح می شود. (یاکوب ادوارد پولاک - مترجم کیکاووس جهاننداری، ۱۹۹۰)

## ۲- روش شناسی :

تحقیق حاضر از نظر هدف بنیادی و از نظر جمع آوری داده ها کتابخانه ای می باشد جامعه آماری این پژوهش شامل مدارس جدیدی بود که در دوران قاجار پایگذاری شدند تعلیم و تربیت نوین ایران از آنها آغاز شد. نحوه گرد آوری داده ها توصیفی از نوع زمینه یابی می باشد.



# کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



دانشگاه هرمزگان  
Homageen University



وزارت آموزش و پرورش  
وزارت آموزش و پرورش  
وزارت آموزش و پرورش



وزارت آموزش و پرورش  
وزارت آموزش و پرورش  
وزارت آموزش و پرورش

## ۳- بحث درباره یافته ها

ظهور و گسترش مدارس جدید رویدادی است که در تاریخ آموزش و پرورش ایران اهمیت بسیار دارد، اما این ظهور و گسترش، نیمه دیگری نیز داشت و آن تضعیف جایگاه مکتب‌خانه و اضمحلال آن بود. پیش از ظهور مدارس جدید در ایران، مکتب‌خانه امر تعلیم و تربیت دانش‌آموزان و آماده‌سازی آنها برای ورود به دوره‌های آموزشی بالاتر را برعهده داشت. در این نهاد که به صورت غیرمتمرکز اداره می‌شد، خواندن و نوشتن فارسی، ادبیات، قرآن، خوش‌نویسی، تاریخ و... به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شد. با وجود این، مدارس جدید جانشین آن شدند.

یکی از عواملی که باعث شد مدارس جای مکتب‌خانه‌ها را بگیرند شیوه تدریس آنها بود. شیوه جدید آموزشی، که در مدارس به کار می‌رفت، سهل‌تر از شیوه آموزش مکتب‌خانه‌ای بود. این شیوه، یادگیری را برای دانش‌آموزان آسان‌تر می‌کرد. افزون بر این، کتاب‌های درسی واحد، امتحان گرفتن و سطح‌بندی دانش‌آموزان از ویژگی‌های مدارس جدید و نقطه افتراق این نهاد با نهاد آموزشی گذشته بود. در مکتب‌خانه‌ها، همه دانش‌آموزان در هر سطحی که بودند در یک مکان گرد می‌آمدند و آموزش را با کتابی خاص که ملای مکتب پیشنهاد خرید آن را به والدینشان داده بود آغاز می‌کردند. («سیاحت شرق» (زندگی‌نامه آقاجانی قوچانی) یکی از کتاب‌هایی است که در آن، شیوه آموزش در مکتب‌خانه‌ها توصیف شده است.) محصلان مکتب‌خانه درس فراگرفته را در همان روز فراگیری پس می‌دادند؛ بنابراین خبری از امتحان یا تکلیف منزل نبود.

بحث هزینه‌ها یکی دیگر از جنبه‌هایی است که در وهله نخست مکتب و مدرسه در آن مشابهت‌هایی داشتند، اما به‌مرور در این زمینه نیز تفاوت‌ها بیشتر شد. مدارس جدید در اوان ظهور در ایران، بیشتر خصوصی بودند و با کمک مالی افراد متول و خیرخواه یا شهریه‌ای که والدین دانش‌آموزان پرداخت می‌کردند اداره می‌گردیدند، اما بعدها هزینه‌های بسیاری از این مدرسه‌ها از راه بودجه‌ای تأمین می‌شد که دولت بدان‌ها اختصاص می‌داد. البته این امر مستلزم آن بود که مدیران مدرسه، شیوه اداره مدرسه را منطبق بر خواست دولت یا وزارت معارف سازند. مکتب‌خانه‌ها نیز با هزینه‌ای اداره می‌شد که والدین محصلان پرداخت می‌کردند، اما میان این هزینه و هزینه مدارس جدید تفاوت فاحش بود؛ ملای مکتب‌خانه یک اتاق را به امر آموزش اختصاص می‌داد؛ درحالی‌که در مدارس جدید، با توجه به سطح‌بندی دانش‌آموزان و اختصاص دادن یک کلاس به هر سطح، به فضای بیشتری برای آموزش نیاز بود. این فضای گسترده‌تر خواهی‌نخواهی هزینه‌های دیگری را بر مدیران مدرسه تحمیل می‌کرد. پوشاک یکدست و متحدالشکل دانش‌آموزان، که در مکتب‌خانه محلی از اعراب نداشت، هزینه دیگری بود که بر میزان بودجه مورد نیاز برای تأسیس مدارس می‌افزود. اما با وجود تمام این هزینه‌ها، کار مدارس جدید رونق گرفت و فضا برای تداوم حضور مکتب‌خانه‌ها در عرصه آموزشی کشور تنگ شد. البته این سخن به معنای استقبال بی‌چون و چرا از این مدارس و رویگردانی از مکتب‌خانه‌ها نبود.

نمونه‌های تقابل مردم ایران با این گونه مدارس در تاریخ ایران عصر قاجار بسیار است، اما با وجود این تقابل‌ها، غلبه نهایی با این نهاد جدید آموزشی و در نتیجه، محو مکتب‌خانه‌ها در دل تاریخ بود. رویگردانی جامعه از مدارس جدید و اعتراض به شکل‌گیری آنها عکس‌العمل‌هایی بودند که در برابر پدیده مدرسه رخ دادند. چه بسا در بیان علت این عکس‌العمل‌ها از تضاد منافع، سخن به میان آید، اما با توجه به مخالفت قشرهای متفاوت جامعه با این پدیده نوظهور نمی‌توان آن را علت اصلی این مخالفت برشمرد. آنچه این مخالفت‌ها را باعث می‌شد تقابل دو دوران متفاوت بود که در دو واژه «نو» و «کهنه» یا «مدرن» و «سنتی» مطرح می‌شود.

با ظهور دوران مدرن، نهادهای متفاوتی سربرآوردند. یکی از این نهادهای جدید در عرصه تعلیم و تربیت، مدرسه بود که در ایران، جای مکتب‌خانه‌های دوران سنتی یا به عبارتی «پیشامدرن» قرار گرفت. پدیده نوظهور مدرسه گرچه در شیوه تدریس تغییر ایجاد کرد، اما تمام تغییرات حاصل از ظهور آن به اینجا ختم نمی‌شد؛ در جامعه ایران پیش از مواجهه با دوران مدرن، دین، مبنای تعلیم و تربیت بود، اما در مدارس جدید علوم جدید در دستور کار قرار گرفت. این علوم حامل فلسفه‌ای بودند که با نگاه حکمی حاکم بر علوم دوران پیشامدرن تفاوت داشت. افزون بر آن، در ایران کسب فن و علم



# کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



غربی کم کم مبنای آموزش قرار گرفت؛ به عبارت دیگر تا پیش از مواجهه جامعه ایرانی با غرب مدرن، هدف از آموزش تربیت انسان دیندار بود، اما پس از این مواجهه، هدف از آموزش، تربیت افرادی بود که به فنون و علوم غربی تسلط داشته باشند. البته این سخن به معنای بی توجهی به دین نیست؛ در این مدارس، آموزش مسائل شرعی، خط عربی و قرآن نیز گنجانده شده بود، اما کم کم کسب فنون و علوم غرب جایگاه مهمی در نظام تعلیم و تربیت ایران پیدا کرد. با توجه به همین تغییرات بود که جامعه ابتدا رویکرد رویگردانی و مخالفت با مدارس جدید را در پیش گرفت؛ البته چه بسا این مخالفت کاملاً آگاهانه و با اطلاع از مبنای مغایر آن نبوده باشد، اما نمونه‌های بسیاری را در تاریخ می‌توان یافت که هرگاه روحانیان از مدرسه‌ای حمایت کرده‌اند و در آن مدارس به آموزش دینی توجه شده است، مردم بدان روی خوش نشان داده‌اند. با همه اینها مدارس جدید در ایران و به‌ویژه پس از پیروزی مشروطیت گسترش پیدا کردند و جامعه نیز به تدریج به این نهاد آموزشی جدید روی خوش نشان داد. تا قبل از تأسیس مدارس جدید، مدرسه به اماکنی که طلاب دینی در آنها به تحصیل اشتغال داشتند، اطلاق می‌شد و عبارت بود از حیاطی بزرگ با ساختمان‌هایی یک یا دو طبقه که اکثراً نیز ضمیمه یکی از مساجد بود و چند ایوان داشت که محل برگزاری جلسات درس و بحث محسوب می‌شد. اما در قرن نوزدهم میلادی و همزمان با دوره قاجاریه بتدریج شاهد شکل‌گیری مدارس جدید هستیم. پیدایش این مدارس در وهله اول ریشه در تحولات داخلی و مسائل مرتبط با آن داشت. در این دوره وقوع برخی تحولات از جمله اختراع صنعت چاپ و ترجمه بسیاری از کتب غربی، گسترش ارتباطات و اعزام دانشجو به خارج از کشور که برای اولین بار در این دوره اتفاق افتاد، همچنین گسترش مطبوعات، شهرنشینی، حمل و نقل و آشنایی مردم و تحصیل‌کردگان با برخی از تحولات جهان و... لزوم ایجاد نهادهای جدیدی همچون مدارس را الزامی می‌نمود. بدین ترتیب، تلاش‌ها برای ایجاد مدارس جدید آغاز شد و اولین مدرسه عالی و مدرن ایران، به نام دارالفنون تأسیس گردید. موسس دارالفنون، اصلاحگر بزرگ دوره قاجار، امیرکبیر است که در ۵ ربیع‌الاول ۱۲۶۸ یعنی ۱۳ روز قبل از قتلش و در زمانی که آخرین روزهای زندگانی خود را در باغ فین کاشان می‌گذراند، افتتاح شد. امیرکبیر از ابتدای صدارت خود، تلاش زیادی برای ایجاد این مرکز به کار برد؛ ولی قبل از آنکه نتیجه و ثمره اقدام خود را به طور کامل ببیند، کشته شد. تأسیس مدرسه دارالفنون در وهله اول متأثر از شرایط آن دوران و در وهله دوم متأثر از سفر امیرکبیر به کشورهای مختلف از جمله روسیه بود. وی چندین بار طی مأموریت‌های سیاسی به کشورهای مختلف از جمله روسیه اعزام شد و در آنجا به دیدن مدرسه‌های مدرن رفت و با دیدن مدرسه و نظام آموزشی آن که بیشتر شامل مدارس فنی و نظامی بود، تحت تأثیر قرار گرفت. وی پس از بازگشت تصمیم به ساخت مدارس مشابه گرفت و «البته نظر او هم در تأسیس چنین مدرسه‌ای بیشتر مدرسه‌ای فنی و نظامی و صنعتی بوده است» در نهایت نیز موفق به اجرای پروژه ساخت مدارس شد و بدین ترتیب اولین مدرسه مدرن ایران یعنی دارالفنون تأسیس گردید. امیر در زمان فعالیت دارالفنون، آن را به یک مرکز علمی مدرن تبدیل کرده بود و حتی در چاپخانه آن به جز روزنامه وقایع اتفاقیه، کارگاهی برای چاپ کتاب‌های درسی راه‌اندازی کرد. اولین دانش‌آموختگان این مدرسه شاهزادگان قاجار بودند. در رابطه با معلمان مدرسه نیز امیر تصمیم گرفت که برای استخدام تعدادی از معلمان آگاه اروپایی اقدام نماید و از این رو به مسیو دیوید که در سفارت ایران در سن پترزبورگ مشغول به کار بود نامه نوشت و او را مأمور استخدام معلمان نمود. از این رو معلمان عمدتاً از اروپا به خصوص اتریش، ایتالیا، فرانسه و اسپانیا به کار گرفته شدند. همه دانش‌آموختگان تحصیلات خود را در یک سطح آموزشی و با رده سنی شش تا چهارده سال آغاز کردند. در کل، دانش‌آموختگان می‌توانستند، فارسی را بخوانند و بنویسند و کمی هم ادبیات فارسی می‌دانستند. تأسیس دارالفنون، در واقع نقطه عطف و آغازی برای تأسیس مدارس بیشتر و جدیدتر گشت. بعد از دارالفنون، دومین مدرسه مدرن ایران نیز در تبریز احداث گردید. تأسیس اولین مدرسه طب ایران در ارومیه، مدرسه شوکتیه بیرجند و اولین مدارس دخترانه همچون مدرسه دوشیزگان و مدرسه ناموس که توسط طوبی آزموده تأسیس شد، نیز طی همین دوران شکل گرفت. چنانچه تا سال ۱۲۹۷ یعنی سال‌های پایان مشروطه چهار دبستان و هشت دبیرستان در تهران و ده دبستان در حومه پایتخت ایجاد شد و در شهرستان‌ها هم به تناسب جمعیت و پیشرفت معارف هر محل مدارس برپا گردید. با رشد مدارس جدید، اولین دانشکده و دانشگاه‌های جدید نیز بتدریج تأسیس شدند. اولین دانشکده جدید و البته قدیمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است که ابتدا مدرسه سیاسی یا مدرسه علوم سیاسی بود که ایده تأسیس آن توسط میرزا حسن خان فرزند میرزا نصرالله خان نائینی مطرح شد. میرزا حسن خان این مدرسه را برای تحصیل علم سیاست و تربیت کارمندان درس خوانده برای وزارت امور خارجه در روز ۱۸ آذر ماه سال ۱۲۷۸ شمسی شروع به کار کرد. بعدها و در سال ۱۳۱۳ و با تأسیس دانشگاه تهران این مدرسه به همراه چندین مدرسه دیگر در دانشگاه تهران ادغام و دایر گشت. به تبع این تحولات، وزارت معارف هم به تدریج و همزمان با پیدایش مدارس جدید شکل گرفت. این وزارتخانه در دوره ناصرالدین شاه تأسیس گردید و در ابتدا یکی از ادارات سازمان انطباعات بود که بر کتب منتشر شده نظارت می‌کرد؛ اما بعدها از آن مستقل و تحت عنوان وزارت معارف شناخته شد. قانون اساسی وزارت معارف در سال ۱۲۹۰ به تصویب رسید که طبق قانون آن ۴ نوع مدارس به رسمیت شناخته شد: مکاتب ابتدایی دهکده، مکاتب ابتدایی بلده، مدارس متوسطه و مدارس عالی را شامل بود. بر طبق این قانون همه دستگاه‌های تعلیم و تربیت دولتی و خصوصی با برنامه یکسان، زیر نظارت دولت قرار گرفت و دوره تعلیمات ابتدایی شش سال و تعلیمات متوسطه نیز شش سال مقرر شد. با تصویب این قانون، دولت تأسیس مدارس جدید در سراسر کشور را در دستور کار خود قرار داد و بدین ترتیب بر شمار مدارس جدید افزوده گردید. برخی از مهم‌ترین مدارس تأسیس شده به شکل نوین و امروزی عبارت‌اند از:

## دبستان ارفع الدوله

ارفع الدوله (سفیر ایران در یکی از کشورهای اروپایی) با سرمایه شخصی اقدام به ایجاد دبستانی با نام خود نمود که در آن عده‌ای محصل به صورت شبانه‌روزی و رایگان آموزش می‌دیدند؛ و حتی هزینه لباس و خوراکی آنان از سوی بانی مدرسه پرداخت می‌شد.





# کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

## مدرسه رشديه

مدرسه رشديه نام مدرسه‌ای است که میرزا حسن رشديه در سال ۱۲۶۸ شمسی در ششگلان تبریز تأسیس کرد. مدرسه رشديه نخستین دبستان به سبک نوین در ایران بود. پس از چند سال به علت تخریب بنای مدرسه، مدرسه دیگری در کوی «جبه‌خانه» ساخته شد. این مدرسه در نهایت به محل کنونی در خیابان ارتش جنوبی تبریز منتقل شد. رشديه پس از تلاش‌های فراوان برای ساخت مدارس متعدد در ۹۷ سالگی درگذشت. وصیت او چنین بود: «مرا در محلی به خاک بسپارید که هر روز شاگردان مدارس از روی گورم بگذرند و از این بابت روحم شاد شود.»

## مدرسه شوکتیه

مدرسه شوکتیه اولین مؤسسه آموزش در شهرستان بیرجند بود که در ۱۲۶۹ ه.ش (از محل موقوفات شوکت‌الملک اول) تحت عنوان حسینیه شوکتیه ساخته شد و در ۱۲۸۲ ه.ش تبدیل به مدرسه شد.

این مدرسه پس از دارالفنون تهران و رشديه تبریز سومین مدرسه بود که آموزش به سبک جدید را در ایران آغاز کرد. مدرسه شوکتیه ابتدا در مقطع ابتدایی بود که پس از مدتی دبیرستان شوکتیه نیز به آن افزوده شد. برای تشویق افراد به تحصیل در این مدرسه برای محصلین بی‌بضاعت و خانواده آنها کمک‌های نقدی مؤثری در نظر گرفته می‌شد.

## مدرسه سعادت بوشهر

مدرسه سعادت که در ۱۲۷۸ خورشیدی به سبک نوین آموزشی در بوشهر تأسیس شد، از نظر تاریخی مادر مدارس جنوب ایران محسوب می‌شود. این مدرسه به دست احمدخان دریابیگی، حکمران وقت بوشهر، تأسیس شد. محمدحسین سعادت و برادرش عبدالکریم سعادت از معلمین اولیه این مدرسه بودند. به جهت کمک‌های نقدی مظفرالدین شاه که به درخواست دریابیگی صورت گرفت، این مدرسه به سعادت مظفری مشهور شد. مدرسه سعادت تا سال ۱۳۲۵ هجری قمری منشأ خدمات نوین آموزشی نه تنها در بوشهر و حوزه خلیج فارس بلکه در نجف، کاظمین و بحرین هم بوده است به طوری که معلمان این مدرسه برای تدریس به شهرهای بندرلنگه، اهواز، بهبهان هم رفته و مدرسه جدید تأسیس کردند. در مدرسه سعادت بوشهر علما و شخصیت‌های برجسته ای تحصیل کردند و افراد فرهیخته‌ای از این مدرسه فارغ‌التحصیل شدند. چند سالی است که ۱۸ اسفند، سال روز تأسیس مدرسه سعادت، با عنوان روز بوشهر جشن گرفته می‌شود.

## مدرسه نوین در شهرکرد

در سال ۱۲۹۳ حاج میرزا زیرک، نخستین مدرسه به سبک جدید را در شهرکرد افتتاح کرد که بسیاری از فارغ‌التحصیلان آن در طی پنجاه سال اخیر، مقامات مهمی در کشور داشته‌اند. حاج میرزا زیرک، که پدر احمد زیرک زاده از سیاست‌مداران ملی‌گرا و همراه مصدق بود، از سوی سردار اشجع سرپرست دانش‌آموزان بختیاری اعزامی به اروپا شد.

## مدرسه احمدیه زابل

در زابل، اولین مدرسه به سبک جدید در سال ۱۲۹۸ شمسی، تحت نام مدرسه احمدیه، منتسب به احمدشاه قاجار، به دستور شوکت‌الملک ساخته و به دست سیدمحمد فرزاد افتتاح شد. مواد درسی آن فقط آشنایی با حروف الفبا بود، در کلاس اول حروف آمیخته به هم را در قالب کلمات به محصل می‌آموختند.

پایه تحصیلی آنچنان قرص و محکم بی‌ریزی می‌شد که محصل در کلاس چهارم قادر به خواندن و حفظ متون پرباری چون گلستان سعدی و کلیله و دمنه بود. در کلاس ششم یا آخرین کلاس مدرسه زبان‌های عربی، انگلیسی و فرانسه نیز تعلیم داده می‌شد. در آن زمان، در مدرسه شوکتیه بیرجند تا کلاس سوم دبیرستان (سیکل اول) تدریس می‌شد و از آن به بعد محصلین علاقه‌مند ناگزیر بودند تا برای اخذ دیپلم به مدرسه دارالفنون تهران بروند. چند سال بعد، سید محمد فرزاد مدرسه‌ای جدیدی احداث کرد و نام این مدرسه را به مدرسه شاهپور تغییر داد.

## مدرسه محمدیه بندر لنگه

مدرسه محمدیه که طبق اطلاعات ارائه شده مدیریت آموزش و پرورش شهرستان بندرلنگه بعد از مدارس مثل دارالفنون تهران و سعادت بوشهر از نخستین مدارس کشور محسوب می‌شود. این مدرسه سال ۱۲۹۰ شمسی، در زمان نیابت حکومت میرزا عبدال... خان نوری، مدحت‌السلطنه، به مدیریت عبدالحق که از فضلا و ادبای دانا و اهل هندوستان بود تأسیس شد. مدرسه محمدیه قبل از تأسیس، خانه متروکه و باغی بود که دارای نخلستان و هم‌چنین محل اسکان تفنگچی‌ها و نگه‌داری اسب حکمرانان وقت بندر لنگه بود. مردم شهر لنگه و افراد خیر، آن را بازسازی و نامش را محمدیه که مشتق از نام محمد پیامبر اسلام است گذاشتند.

## مدرسه البرز

دبیرستان البرز (پیش‌تر: کالج آمریکایی‌ها، کالج البرز)، یکی از مراکز آموزشی معتبر و قدیمی شهر تهران است. این دبیرستان که از نخستین



# کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



نمادهای آموزشی در ایران است در شمال غربی چهارراه کالج، کوچه البرز قرار دارد. دبیرستان البرز بعد از دارالفنون به عنوان یکی از نهادهای آموزشی پرافتخار مطرح است. این دبیرستان به دلیل نمای رشته کوه البرز در پس آن، البرز نام گرفته است. قدمت آموزشی این دبیرستان به سال ۱۲۵۲ خورشیدی و تأسیس مدرسه آمریکایی‌ها بازمی‌گردد. این مدرسه ابتدایی در سال ۱۲۷۸ خورشیدی همزمان با مدیریت جردن به دبیرستان تبدیل شد و در سال ۱۳۰۱ خورشیدی به مکان کنونی خود در چهارراه کالج انتقال یافت و در آن زمان کالج آمریکایی‌ها یا کالج البرز نامیده می‌شد. در سال ۱۳۱۹ خورشیدی همزمان با آغاز مدیریت ایرانیان بر آن، دبیرستان البرز نام گرفت.

بنای اصلی این دبیرستان از نخستین آثار نیکلای مارکف، معمار تفلیسی است که آثار ماندگار زیادی در ایران دارد. ساختمان مرکزی البرز و ساختمان علوم این دبیرستان جزو آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌اند. دبیرستان البرز به دلیل قدمت تاریخی و سوابق درخشان علمی، آموزشی و فرهنگی در ۱۶ اسفند سال ۱۳۸۵ توسط شورای عالی آموزش و پرورش جزو مدارس ماندگار ایران شناخته شد.

## اولین مدرسه دولتی کرمان

در سال ۱۲۹۲ شمسی، سید مصطفی خان کاظمی و یک نفر از شاگردان دبیرستان آلیانس فرانسه برای تأسیس مدرسه دولتی به کرمان آمدند و اولین مدرسه را بنا نهادند. سید مصطفی خان کاظمی در سال ۱۲۹۳ شمسی در سن ۲۸ سالگی به ریاست اداره معارف کرمان منصوب شد و دبستان دولتی احمدی را در دوم بهمن ماه همان سال با کمک اعانه عمومی و ملی تأسیس کرد. به دلیل سلطنت احمد شاه این مدرسه ابتدا به احمدیه یا احمدی موسوم بود. سپس در دوره پهلوی اول به اسم مدرسه پهلوی تغییر نام داد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به نام دبیرستان امام خمینی معروف شد. سید مصطفی خان علاوه بر اینکه ریاست اداره معارف و مدیریت مدرسه احمدی را عهده‌دار بود به تدریس تاریخ، جغرافیا و اخلاق در مدرسه نیز مشغول بوده است. محل این مدرسه ابتدا در خانه استیجاری و بعداً در عمارت دولتی، معروف به خوابگاه قرار داشت. سپس به محل فعلی دبیرستان امام خمینی انتقال یافت. از سال ۱۲۹۹ شمسی به تدریج دوره دبیرستان هم در این مدرسه گشایش یافت.

## مدرسه ملی ناصری خلخال

یکی از اولین مدارس مدرن در آذربایجان، مدرسه ناصری خلخال است. همانند شهر تبریز در خلخال نیز ناصر روائی با مساعدت و زحمات شخصی خویش به تأسیس مدرسه ملی در ولایت آذربایجان عصر قاجاریه اقدام کرد. وی در سال ۱۲۸۴ هجری شمسی به فکر تأسیس و ایجاد مدرسه در خلخال افتاد. در آن زمان به غیر از تبریز در هیچ شهر آذربایجان مدرسه وجود نداشت. تحصیلات مانند سایر نقاط کشور در مکتب خانه‌ها انجام می‌گرفت. ناصر روائی در کتاب «خاطرات و اسناد ناصر دفتر روائی» در این زمینه می‌نویسد: با اینکه در خلخال افکار عمومی به کلی از اینگونه تأسیسات بیگانه و اقدام بدان مستلزم انواع مخاطره و فداکاری‌ها بود، نگارنده از روی یک احساسات درونی خود را برای مقابله با هر گونه مرارت حاضر کردم و با استفاده از وجود میرزا محمدتقی او بدین اراده افتادم که مدرسه‌ای در قصبه خلخال افتتاح و خدمات وطنی خود را از این راه تعقیب نمایم. متأسفانه در پاییز ۱۲۸۶ هجری شمسی بر اثر هجوم افراد یاغی و اشرار محل و بروز ناامنی در منطقه مدرسه ناصری منحل و اثاثیه آن غارت شد. در سال ۱۲۸۹ خورشیدی مجدداً بر اثر همت و مساعدت اهالی خلخال مدرسه مجدداً بازگشایی شد. مدرسه در طول حیات خویش با فراز و نشیب‌های بسیاری همراه بود و متناسب با تحولات سیاسی و اجتماعی منطقه دچار تعطیلی، بازگشایی یا تغییر نام قرار می‌گرفت. تا اینکه در سال ۱۳۸۴ شمسی پس از سال‌ها تلاش و گفتگو بالاخره با پافشاری مردم با فرهنگ خلخال نام مدرسه به همان نام سابق خود یعنی ناصری برگشت. مدرسه مظفریه رشت سال ۱۲۷۷ هجری شمسی محمد ولی خان سپهسالار (نصرت‌سلطنه) حاکم گیلان در زمان مظفرالدین شاه نخستین مدرسه رشت را با نام مدرسه مظفریه شرافت در یکی از خانه‌های این شهر تأسیس کرد. این مدرسه بعدها با استفاده از کمک و همیاری مردم به ساختمان دو طبقه‌ای در محله سبزه میدان منتقل شد و سرآغاز تأسیس مدارس ملی و دولتی از جمله دبیرستان شهید بهشتی (شاهپور سابق) بود. نام آورانی چون: محمد معین، فضل... رضا، عنایت... رضا، هوشنگ ابتهاج و مجید سمیعی در این مدرسه تحصیل کرده‌اند.

## ۴- نتیجه گیری

در گذشته کودکان معمولاً از حدود پنج سالگی تحصیل را آغاز می‌کردند که این روند تا هشت سالگی و در خانه ادامه می‌یافت. بعد از آن، برایشان معلم سرخانه می‌گرفتند و کم‌کم وارد مکتب خانه می‌شدند. در مکتب خانه که آموزش‌ها بیشتر مبنای دینی داشت، معلم و شاگردان روی زمین می‌نشستند و خبری از میز و نیمکت و تخته نبود. ملاک میزان تحصیلات شاگردان، تعداد کتابی بود که خوانده‌اند و از آن‌ها امتحان گرفته نمی‌شد. اولین مدارس به سبک جدید در زمان محمد شاه قاجار توسط هیئت‌های اعزامی از کشورهای اروپایی در ایران تأسیس شد.



# کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

مدارس به عنوان یکی از نهادهای مهم آموزشی در دوران جدید و به شکل مدرن آن، سابقه نسبتاً طولانی در ایران دارد. در شرایطی که بسیاری از کشورهای آسیایی با نهادهای قدیمی به امر آموزش می‌پرداختند، ایرانیان عصر قاجار پیشگامان تأسیس مدارس جدید به سبک اروپایی گشته و از این طریق متولی آموزش و تولید علوم مختلف، مطابق با تحولات عصر جدید گشتند. تأسیس این مدارس که به اقتضای شرایط داخلی و نیز متأثر از روابط با کشورهای اروپایی شکل می‌گرفت؛ تأثیر زیادی بر روند تسریع آموزش و نیز نگرش فارغ‌التحصیلان آن داشت.

پس از آن در سال ۱۲۳۰ خورشیدی مدرسه دارالفنون با زحمات ستودنی امیرکبیر افتتاح شد. مدارس تاسیس شده تا این زمان، در واقع موسسات آموزش عالی بودند و به نوعی دانشگاه آن زمان به حساب می‌آمدند. در مدرسه دارالفنون، علوم و فنون جدید از جمله طب، پیاده نظام، سواره نظام و... آموزش داده می‌شد. با تأسیس اولین دبستان توسط رشیدی، علاوه بر تغییر در شیوه آموزش که تحصیل را آسان کرده بود، شکل ظاهری مدارس نیز تغییر کرد. مدارس به میز و نیمکت و تخته مجهز شدند. به دانش آموزان ناهار داده می‌شد و در بین ساعات آموزش زنگ تفریح داشتند. تمامی شاگردان لباس یک شکل می‌پوشیدند که این امکانات برای دانش آموزان کم بضاعت رایگان بود. در پایان سال و با موفقیت دانش آموزان در امتحانات، جشن گرفته می‌شد و آن‌ها به پاس این موفقیت تشویق می‌شدند. به این ترتیب کودکان با اشتیاق بیشتری به تحصیل می‌پرداختند و افراد بیشتری از نعمت سواد بهره مند می‌شدند. با وجود تمام این تلاش‌ها باز هم همه کودکان باسواد نبودند و دولت هیچ گونه نظارتی بر نحوه آموزش نداشت تا آن‌که در سال ۱۲۹۰ خورشیدی مجلس شورای ملی، قانون تعلیمات اجباری را تصویب کرد و پس از آن در سال ۱۳۰۰ خورشیدی، قانون شورای عالی فرهنگ برای اداره امور کلیه مدارس تصویب شد.

## منابع

- اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۹۲). امیرکبیر، تهران، انتشارات نگاه
- شریعتمداری، علی. (۱۳۶۷). جامعه و تعلیم و تربیت؛ مبانی تربیت جدید. تهران: انتشارات امیرکبیر. تهران
- شعاری نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۸۶). فلسفه آموزش و پرورش. تهران: انتشارات امیرکبیر
- شمس‌الدین رشیدی، (۱۳۶۲) سوانح عمر، تهران - نشر تاریخ ایران
- صافی، احمد. (۱۳۸۳). سازمان و اداره امور مدارس. تهران: انتشارات رشد
- صفت گل، منصور. (۱۳۷۸). تاریخ‌نویسی درسی در ایران از دارالفنون تا برافتادن فرمانروایی قاجاران. تهران: انتشارات دانشگاه انقلاب
- صفوی، امان‌الله. (۱۳۸۳). تاریخ آموزش و پرورش ایران؛ از ایران باستان تا سال ۱۳۸۰ شمسی با تأکید بر دوره معاصر. تهران: انتشارات رشد
- ضمیری، محمدعلی. (۱۳۸۲). تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام. شیراز: انتشارات ساسان
- فخرالدین رشیدی، (۱۳۷۰). زندگینامه پیرمعارف رشیدی، بنیانگذار فرهنگ نوین ایران، تهران - انتشارات هیرمند
- مونیکا رینگو، (۱۳۸۱). آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: دقت‌نوس